



A Critique of Iran and Oman's Lenient Penal Policy towards Children and Adolescents

Ali Morad Heydari¹

Associated Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science,
Ferdowsi University of Mashhad, Iran, Mashhad

Abstract

Penal policy towards children and adolescents in Iran and Oman is a lenient and mitigated policy. However, there are many differences in terms of the type, amount and quality of the reaction against juveniles' offences in Iranian and Omani law. In Iran, the reaction against children and adolescents' offences is based on the "type of offence" component (requiring Had, retribution and blood money or whether the offence is subject to Ta'zir) and in Ta'zir is based on the "age category of the perpetrator" (9 to 12, 12 to 15, and 15 to 18 years), but, in Oman, the reaction against children and adolescents is divided into two categories: supervisory and correctional, and the supervisory reactions are for offenders in the age group of 9 to 16, as well as children at risk, and the correctional reaction is for offenders 16 to 18 years old. The question is which of the two laws of Iran and Oman is more effective in dealing with children and adolescents? In this article, using a descriptive-analytical method and library sources, including laws, books, articles and judicial opinions, "the reflections of lenient penal policy" and "the challenges of lenient penal policy" are examined, and by criticizing the legislative approaches of Iran and Oman regarding children and adolescents, the hypothesis has been strengthened that the Iranian legislator has not succeeded in creating a balance in the two realms of minors-delinquent and minors-victim, and Omani legislator have failed to provide appropriate and fair solutions to deal with this category of delinquents.

Keywords: Reaction against crime, children and adolescents, Islamic Penal Code of Iran, Juveniles Accountability Act of Oman.

Received: 26/07/2024

Accepted: 21/08/2024;

How To Cite: Ali Morad Heydari, (2024). A Critique of Iran and Oman's Lenient Penal Policy towards Children and Adolescents, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (3), 23-36.

doi.org/10.22091/delic.2024.11088.1018

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



نقدی بر سیاست کیفری ارفاقی ایران و عمان در قبال اطفال و نوجوانان

علی مراد حیدری^۲

دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد
a.m.heydari@um.ac.ir

چکیده

سیاست کیفری در قبال جرائم اطفال و نوجوانان در ایران و عمان سیاستی ارفاقی و تخفیفی است. با وجود این تفاوت‌های زیادی از جهت نوع و میزان و کیفیت واکنش علیه جرائم اطفال در حقوق ایران و عمان وجود دارد. در ایران واکنش علیه جرائم اطفال و نوجوانان مبتنی بر متغیر «نوع جرم» (مستوجب حد، قصاص و دیه یا مستوجب تعزیر بودن جرم) و در تعزیرات مبتنی بر «رده سنی مرتکب جرم» (۹ تا ۱۲؛ ۱۲ تا ۱۵؛ ۱۵ تا ۱۸ سال) است ولی در عمان، واکنش علیه اطفال و نوجوانان به دو دسته نظارتی و اصلاحی تقسیم شده واکنش‌های نظارتی ناظر به بزهکاران در رده سنی ۹ تا ۱۶ و نیز اطفال در معرض خطر است واکنش اصلاحی ناظر به بزهکاران ۱۶ تا ۱۸ سال است. پرسش اینکه کدام‌یک از دو قانون ایران و عمان در برخورد با اطفال و نوجوانان کارآمدتر است؟ در این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل قوانین، کتاب‌ها، مقالات و آراء قضایی، «جلوه‌های سیاست کیفری ارفاقی» و «چالش‌های سیاست کیفری ارفاقی» بررسی شده و با نقد رویکردهای تقنینی ایران و عمان در قبال اطفال و نوجوانان، این فرضیه تقویت شده که قانون‌گذار ایران در ایجاد توازن در دو قلمرو خردسال-بزهکار و خردسال-بزه دیده موفق نبوده و قانون‌گذار عمان در پیش‌بینی راهکارهای متناسب و عادلانه برای برخورد با این دسته از بزهکاران ناکام بوده است.

کلیدواژه‌ها: واکنش علیه جرم، اطفال و نوجوانان، قانون مجازات اسلامی ایران، قانون مساءلة الأحداث عمان.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵

استناد: علی مراد حیدری، (۱۴۰۳). نقدی بر سیاست کیفری ارفاقی ایران و عمان در قبال اطفال و نوجوانان، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۳)، ۳۶-۲۳.

doi.org/10.22091/dcllic.2024.11088.1018

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

حقوق کیفری اطفال و نوجوانان را می‌توان یکی از برجسته‌ترین بسترهای تحول‌گفتمانی و رویکردی در سیاست جنایی ایران در دهه آخر قرن چهاردهم نامید. بازنگری در شیوه دادرسی، شرایط مسئولیت کیفری و اکنش علیه جرائم اطفال و نوجوانان و جرم‌انگاری‌های حمایتی از اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و نیز قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گواه این مدعا است. این تغییر نگرش از این جهت قابل تأیید است که واکنش‌های تنبیهی و نظام‌های دادرسی ویژه بزرگسالان، برای اطفال و نوجوانان نامناسب است و احتمال بازپذیری در اطفال و نوجوانان را کاهش داده و عامل انحراف ثانویه و تکرار جرم در آن‌ها می‌شود. بدین جهت، سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در مورد اطفال و نوجوانان ضرورت می‌یابد و مستلزم ویژگی‌های خاص از جمله حمایتی و ارفاقی بودن است (شیری، ۱۴۰۱: ۹۳). برخی هم معتقدند که کودک یا نوجوان معارض با قانون، پیش از آنکه بزه‌کار باشند، بزه دیده شرایط نامطلوب زندگی و محیط اجتماعی هستند. از این رو، نیازمند حمایت‌های افتراقی قانون‌گذار می‌باشند (نادری، ۱۴۰۰: ۴۹). از سوی دیگر «مصالح عالیة اطفال و نوجوان» که به‌عنوان یک اصل راهبردی و بنیادین مورد توجه نظام سیاست جنایی سازمان ملل بوده، یک شاخص محسوب شده تا سیاست‌گذاران جنایی داخلی کشورها، از رهگذر آن، تدابیری اتخاذ کنند تا اسباب دورسازی و قطع ارتباط کودک یا نوجوان با فرایند کیفری برای همیشه، به‌عنوان یک آرمان، فراهم گردد (رستمی و موسوی، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

در همین راستا در عمان نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر گام‌های اساسی در جهت ارفاقی شدن جرائم اطفال و نوجوانان برداشته شده است که اوج این اقدامات در «قانون مسألة الأحداث» صادره در ۲۰۰۸/۳/۱۵ دیده می‌شود. هرچند در ایران نظام پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی علیه جرائم اطفال و نوجوانان، بر پایه رویکرد ارفاقی استوار است، لکن سیاست کیفری حمایتی از اطفال و نوجوانان در گرو سیاست‌گذاری درست و متوازن در دو ساحت «کودک_ بزه‌کار» و «کودک_ بزه دیده» است. با وجود این مقنن ایرانی هرگاه در مقام مقررات‌گذاری برای جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بوده (بزه‌کار محوری)، با همه ابهامات و پرسش‌هایی که وجود دارد، رویکرد کلی در راستای «سیاست کیفری ارفاقی» است، لکن هرگاه در مقام مقررات‌گذاری برای جرائم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان بوده (بزه دیده محوری)، سیاست قانون‌گذار سیاستی مبهم و سردرگم است، به‌گونه‌ای که رویکرد مشخصی اعم از ارفاقی یا تشدیدی قابل احراز نیست.

در عمان نیز هرچند رویکرد کلی سیاست کیفری اطفال و نوجوانان رویکرد ارفاقی است، لکن قانون‌گذار عمانی برخورد با جرائم اطفال و نوجوانان را بسیار ساده و بسیط در نظر گرفته و برای بسیاری از حالات و فروض ارتكاب جرم توسط این گروه حکمی ندارد و با خلأ قانونی روبه‌رو است.

این پژوهش در دو بخش جلوه‌های سیاست کیفری ارفاقی و چالش‌های سیاست کیفری ارفاقی ساماندهی شده و با بررسی تطبیقی مقررات قانون ایران و عمان در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان، نقاط قوت و ضعف هرکدام را برجسته کرده است.

۱. جلوه‌های سیاست کیفری ارفاقی

ارفاقی شدن حقوق کیفری اطفال و نوجوانان از لوازم راهبرد اصلاحی- تربیتی نسبت به این گروه از بزه‌کاران است. در فقه

اسلامی روایات متعددی دال بر این موضوع وجود دارد که اطفال، در بار اول و دوم ارتکاب جرم از مجازات عفو می‌شوند و در دفعات بعدی به‌صورت پلکانی برخورد با آنان تشدید می‌شود و در واقع معیار مسئولیت گام‌به‌گام، دفعات جرم در نظر گرفته شده است.^۳

در روایات دیگر، سن بزه‌کار و دفعات تکرار جرم هر دو معیار این مسئولیت قرار گرفته‌اند.^۴ در قانون مجازات اسلامی نیز از سال ۱۳۹۲ نظام خاصی برای واکنش علیه جرائم اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده که در جرائم مستوجب حدود و قصاص و دیات مبتنی بر سن بلوغ و سن رشد جزایی است (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۶۷). ولی در تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی مبتنی بر رده‌بندی سنی زیر ۹ سال، ۹ تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال تمام است. در این جرائم تفاوتی بین جنس دختر و پسر وجود ندارد و معیار سنی سال شمسی است (میر محمدصادقی، ۱۴۰۲: ۱۸۷). برخی جلوه‌های ارفاقی شدن سیاست کیفری اطفال و نوجوانان به شرح زیر است.

۱-۱. از حیث «نوع اقدامات»

در مورد اطفال، تنها اقدامات موضوع ماده ۸۸ «قانون مجازات اسلامی» (ق.م.ا.) شامل اقدامات تسلیمی (تسلیم به والدین یا اشخاص حقیقی یا حقوقی صالح)، توبیخی (نصیحت، تذکر و تعهد) و تأمینی - تأدیبی (نگهداری در کانون) امکان دارد و در مورد نوجوانان، تنها اقدامات موضوع ماده ۸۹ (ق.م.ا.) شامل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان، کانون آخر هفته‌ای و اقامت در منزل امکان دارد. بنابراین، صدور یا اجرای حکم کیفر بدنی (شلاق)، کیفر مالی فراگیر (مصادره اموال)، کیفر اجتماعی (محرومیت از حقوق اجتماعی) و کیفر ترذیلی (انتشار حکم در رسانه‌ها)، حتی در صورت ارتکاب جرائم تعزیری درجات بالا هم امکان‌پذیر نیست. این رویکرد از یک‌سو برگرفته از آورده‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا و پرهیز از برچسب‌زنی و از سوی دیگر تحت تأثیر آورده‌های حقوق بشری و ملایم سازی واکنش علیه جرائم اطفال و نوجوانان است.

در حقوق عمان دو گونه اقدامات علیه اطفال و نوجوانان بزه‌کار قابل اعمال است: اقدامات نظارتی و اقدامات اصلاحی. اقدامات نظارتی در ماده ۱۵ «قانون مساءلة الأحداث» صادره در ۲۰۰۸/۳/۱۵ میلادی شامل چهار اقدام تسلیم به والدین یا اشخاص حقیقی یا حقوقی، توبیخ و هشدار، منع رفت‌وآمد به اماکن معین و منع اشتغال به مشاغل خاص است.^۵

اما اقدامات اصلاحی در ماده ۲۰ شامل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، قرار گرفتن تحت نظارت قاضی (دوره مراقبت)،

۳. «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الصَّبِيِّ يَسْرِقُ - قَالَ يُعْفَى عَنْهُ مَرَّةً وَ مَرَّتَيْنِ وَ يُعَزَّرُ فِي الثَّالِثَةِ - فَإِنْ عَادَ قُطِعَتْ أَطْرَافُ أَصَابِعِهِ - فَإِنْ عَادَ قُطِعَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ.» (العاملي، ۱۳۶۷، ج ۱۸، ص ۵۲۲)

۴. «مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ الصَّبِيِّ يَسْرِقُ - فَقَالَ إِنْ كَانَ لَهُ سِتْعُ سِنِينَ أَوْ أَقَلُّ رُفِعَ عَنْهُ - فَإِنْ عَادَ بَعْدَ سِتْعِ سِنِينَ قُطِعَتْ بَنَانُهُ - أَوْ حُكَّتْ حَتَّى تَدْمَى - فَإِنْ عَادَ قُطِعَ مِنْهُ أَسْفَلُ مِنْ بَنَانِهِ.» (همان، ص ۵۲۵)

۵. المادة (۱۵): «تدابیر الرعاية هي:

أ - تسليم الحدث إلى أي من الآتي ذكرهم ممن تتوافر فيه الضمانات الأخلاقية واستطاعة القيام برعايته:

-أبويه أو أحدهما.

-من له ولاية أو وصاية عليه.

-أحد أفراد أسرته أو أقاربه.

-أسرة بديلة تتعهد برعايته.

الف. دار توجيه الأحداث أو أية جهة معتمدة لرعاية الأحداث.

ب. توبيخ الحدث وتحذيره.

ج. منع الحدث من ارتياد أماكن معينة.

د. منع الحدث من مزاولة عمل معين.

الزام به آموزش حرفه‌ای و انجام خدمات عام‌المنفعه است.^۶

در این کشور تسلیم طفل یا نوجوان به والدین و خانواده و اقرباء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بر سایر اقدامات اولویت دارد. حقوقدانان این رویکرد را بسیار ستوده‌اند. چراکه با توجه به نیازهای عاطفی اطفال به والدین، این ارتباط بخشی از فرایند رشد و شکل‌گیری شخصیت متعادل اطفال است (العوجی، ۲۰۱۵: ۳۶) این اقدام نه‌تنها حمایت از کودک در برابر ارتکاب جرم در آینده از طریق تربیت و جامعه‌پذیر کردن است، بلکه متضمن حمایت از جامعه در برابر خطر تکرار جرم نوجوان نیز هست (عطیه، ۲۰۱۰: ۷۵) در عمان اقدامات تسلیمی شامل دو گروه از خردسالان است: گروه اول، اطفالی که هنوز مرتکب جرم خاصی نشده‌اند، لکن در معرض خطر ارتکاب جرم هستند و مصادیق در معرض خطر بودن هم در ماده ۳ قانون مسائل نوجوانان احصاء شده است؛ گروه دوم، اطفالی هستند که مرتکب جرم شده‌اند و سن آن‌ها بین ۹ تا ۱۶ سال است (الیزیدی، ۲۰۱۸: ۱۵۴).

باوجود این برخی نویسندگان عمانی قانون مسأله الأحداث را مورد نقد قرار داده و گفته‌اند که این قانون افراد موضوع تدابیر نظارتی، از جمله اقدام تسلیمی را به‌طور صریح و مشخص تعیین نکرده است و این امر موجب سردرگمی قضات در جمع بین مواد قانونی و صدور حکم درست شده است. ازاین‌رو، پیشنهاد الحاق یک ماده تحت عنوان ماده ۱۵ مکرر به قانون مسأله الأحداث را داده‌اند به این مضمون که «در خصوص اطفال در معرض خطر و نیز اطفال بزهکاری که به سن ۱۶ سالگی نرسیده‌اند، اقدامات نظارتی این قانون قابل اعمال است و در خصوص اطفال بزهکاری که به سن ۹ سالگی نرسیده‌اند فقط تسلیم به والدین و توبیخ و هشدار قابل اعمال است.» (الیزیدی، ۲۰۱۸: ۱۵۴) این در حالی است که برابر تبصره ۱ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی «تصمیمات مذکور در بندهای (ت) { اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم } و (ث) { نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج } فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است. بنابراین باوجود اختلاف نظر در این زمینه (صبوری پور و موسوی، ۱۴۰۲: ۱۹۴) اولاً برای اطفال زیر ۹ سال هیچ اقدامی در نظر گرفته نشده است و ثانیاً برای اطفال ۹ تا ۱۵ سال تمام علاوه بر اقدام تسلیمی اقدامات دیگر مانند تعهد کتبی و حتی کانون اصلاح و تربیت هم قابل اعمال است.»

۱-۲. از حیث «میزان اقدامات»

واکنش‌های قابل اعمال در مورد نوجوانان نسبت به مجازات‌های افراد بزرگسال، واکنشی «تقلیل یافته» است. برای نمونه نوجوانان به علت ارتکاب جرائم تعزیری درجه یک تا سه - برابر بند الف ماده ۸۹ - به دو تا پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند، در حالی که در طبقه‌بندی ماده ۱۹ (ق.م.ا) مجازات حبس درجه یک تا سه، بیش از ده سال تا بیش از بیست و پنج سال است. یا اینکه نوجوانان به علت ارتکاب جرم تعزیری درجه پنج، برابر بند پ ماده ۸۹ (ق.م.ا) به جزای نقدی از ۱۵ تا ۶۵ میلیون ریال محکوم می‌شوند در حالی که در طبقه‌بندی ماده ۱۹ (ق.م.ا) جزای نقدی بیش از

۶. المادة (۲۰): «تدابیر الإصلاح هي: أ. الإيداع في دار إصلاح الأحداث. ب. الوضع تحت الاختبار القضائي. ج. الإلحاق بالتدريب المهني. د. الإلزام بواجبات معينة. هـ. الإيداع في مؤسسة صحية.»

۲۴۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال، تعزیر درجه پنج شناخته شده است. تقلیل یافتگی میزان مجازات در مورد اطفال نیز با شدت بیشتری به چشم می‌خورد؛ جدای از عدم امکان مجازات‌های مرسوم برای بزرگسالان، حتی در مورد کانون اصلاح و تربیت نیز کانون به مدت «سه ماه تا یک سال» که برای جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر اطفال ۱۲ تا ۱۵ سال در نظر گرفته شده، در حالی که مدت حبس درجه پنج و بالاتر، از «بیش از ۲ سال تا حبس ابد» است.

اما در سلطنت عمان، صرف‌نظر از درجات دقیق جرم، مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در جنایات حداکثر پنج سال و در جنحه‌ها حداکثر دو سال است و چنانچه در طی مدت محکومیت به ۱۸ سال برسد، دیگر در کانون نگهداری نمی‌شود و اگر باقی مانده محکومیت او بیش از یک سال باشد، به زندان منتقل می‌شود، مگر اینکه قاضی ماندن وی در کانون را اجازه دهد.^۷ بنابراین در حقوق عمان برخلاف ایران، درجه جرائم تعزیری تأثیری در تعیین مدت کانون ندارد و جنحه یا جنایت بودن مهم است که از این جهت به نظر می‌رسد قانون مجازات ایران مناسب‌تر و عادلانه‌تر است. همچنین در قانون مسائل نوجوانان عمان مدت دوره مراقبت حداکثر دو سال (ماده ۲۲) و مدت الزام به آموزش حرفه‌ای حداکثر سه سال و مدت انجام خدمات عمومی حداکثر شش ماه است.

۱-۳. از حیث «کیفیت اجرای مجازات»

قانون‌گذار به قاضی دادگاه اجازه داده است که در زمان صدور حکم به جای محکومیت متهم به نگهداری در کانون و یا جزای نقدی موضوع بندهای الف تا پ ماده ۸۹ (ق.م.ا) یکی از دو روش «اقامت در منزل» و یا «کانون پایان هفته‌ای» را مورد حکم قرار دهد. هرچند جایگزین کردن مجازات «نگهداری در کانون اصلاح و تربیت» با دو شیوه «اقامت در منزل» و «کانون پایان هفته‌ای» اقدامی مناسب و قابل دفاع است، اما جایگزین کردن «جزای نقدی» با شیوه‌های دوگانه، به‌ویژه کانون پایان هفته‌ای نوعی تشدید مجازات در مورد نوجوانان بزهکار است که با سیاست کیفری ارفاقی مورد نظر مقنن سازگاری ندارد. همچنین مدت سه ماه تا پنج سال نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته، زمانی که جایگزین دو تا پنج سال نگهداری در کانون (موضوع بند الف ماده ۸۹ ق.م.ا) شود، نوعی تخفیف است، اما هنگامی که جایگزین سه ماه تا یک سال نگهداری در کانون (موضوع بند پ ماده ۸۹ ق.م.ا) شود. به جهت طولانی‌تر بودن دوره بلا تکلیفی، از حیث بازه زمانی نوعی تشدید است. از این رو، قاضی باید در تعیین مدت کانون پایان هفته‌ای بین سه ماه تا پنج سال، تناسب با مدت مجازات اصلی را رعایت کند تا جنبه تخفیفی مجازات جایگزین رعایت گردد.

از این جهت امکان مطالعه تطبیقی بین قانون ایران و عمان وجود ندارد، چراکه در قانون مسائل نوجوانان عمان نوع و میزان اقدامات متناسب با درجات جرم و بازتابی از میزان مجازات بزرگسالان در خصوص آن جرم نیست. بلکه قاضی اختیار گسترده‌ای در اتخاذ تصمیم برای هر نوجوانی متناسب با جنحه یا جنایت بودن آن جرم دارد. با وجود این، نویسندگان عمانی معتقدند راهبرد تدرّج در اقدامات تسلیمی راهبردی درست است که به قاضی اجازه می‌دهد نوع اقدام تسلیمی را با توجه به نوع مصلحت طفل تعیین کند (عبدالستار، ۱۹۹۹: ۳۲۸). مراد آنان از تدرّج، رعایت قاعده الاقرب فالاقرب در نوع رابطه طفل با کسی است که طفل به وی سپرده

۷. المادة (۲۱): «... ويحدد الحكم مدة الإيداع على أن لا تزيد على خمس سنوات في الجنایات وستين في الجنح، ولا يجوز بقاء الحدث في الدار متى بلغ الثامنة عشرة، فإذا بلغ هذه السن وكانت المدة المتبقية من التدابير أكثر من سنة نقل إلى أحد السجون إن لم تقرر المحكمة إبقاءه في الدار.»

می‌شود که اولویت با والدین و سپس با اقربای نزدیک‌تر مانند پدربزرگ و مادربزرگ و سپس سایر خویشاوندان و در نهایت خانواده جایگزین است. به‌ویژه که والدین و اولیای قانونی وظیفه نگهداری از اطفال و پرداخت نفقه آنان را هم دارند (الیاس، ۲۰۱۴: ۶۱).

۱-۴. از جهت «آثار محکومیت کیفری»

محکومیت‌های اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است (ماده ۹۵ ق.م.ا.) و مشمول مقررات مربوط به تکرار جرم هم نمی‌شود (ماده ۱۳۸ ق.م.ا.). در قانون عمان هم برابر ماده ۱۰ قانون مسائل نوجوانان محکومیت‌های اطفال و نوجوانان در پرونده ایشان ثبت شده و در سوابق آن‌ها احتساب نمی‌شود و در نتیجه مقررات تکرار جرم در مورد آن‌ها اعمال نخواهد شد.^۸

۱-۵. از حیث «میزان تخفیف»

از دیگر جنبه‌های افتراقی سیاست کیفری اطفال و نوجوانان، میزان تخفیف در مجازات‌های این دو صنف از بزهکاران است؛ در خصوص بزرگسالان میزان تخفیف قابل اعمال در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی محدود به یک تا دو در برخی موارد تا سه درجه است، لکن در قلمرو مجازات‌های نوجوانان بزهکار، دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا «نصف حد اقل» تقلیل دهد (ماده ۹۳ ق.م.ا.) امکان تخفیف مجازات‌ها تا نصف حد اقل، مخصّص حکم ماده ۳۷ (ق.م.ا.) در مورد میزان تخفیف است و از سوی دیگر تخفیف جزای نقدی موضوع بند ۸ ماده ۸۹ (ق.م.ا.) در مورد جرائم تعزیری درجه هشت نیز با ابهام مواجه است، چون برابر ماده ۹۳ (ق.م.ا.) قاضی می‌تواند مجازات را تا نصف حد اقل تخفیف دهد، در حالی که جزای نقدی موضوع بند ۸ ماده ۸۹ (ق.م.ا.) تا سه میلیون ریال است و حد اقل آن از یک واحد پولی (یک ریال) شروع می‌شود که نصف آن معنی ندارد.

در قانون عمان حکم خاصی ناظر به میزان و کیفیت تخفیف مجازات اطفال و نوجوانان وجود ندارد؛ ولی ماهیت مجازات‌ها نسبت به بزرگسالان تخفیف یافته است. به‌عنوان نمونه برابر ماده ۲ قانون مسائل نوجوانان عمان: اگر نوجوانی که به شانزده سال تمام رسیده باشد مرتکب جرمی شود که مجازات آن اعدام یا حبس ابد است به حبس از سه سال و حداکثر ده سال محکوم می‌شود و در صورت ارتکاب جرمی که مجازات آن حبس موقت یا حبس باشد، به حبس از حد اقل سه سال و تا نصف حداکثر سقف مقرر قانونی برای جرم ارتکابی محکوم می‌شود.^۹

به‌طور کلی، در قانون عمان بین دو دسته از اطفال بزهکار تفکیک شده است. در خصوص اطفال ۹ تا ۱۵ سال تمام تنها یکی از اقدامات نظارتی موضوع ماده ۱۵ قانون مساءلة الأحداث قابل اعمال است، ولی در خصوص نوجوانان ۱۶ تا ۱۸ سال تمام علی‌القاعده تدابیر نظارتی قابل اعمال نیست. بلکه کیفرهای تخفیف یافته قابل اعمال است و تدابیر نظارتی می‌تواند به‌عنوان مکمل در کنار مجازات‌های مخففه اعمال شود، بدون اینکه خللی در کیفرهای اصلی وارد نماید. حقوق‌دانان این کشور عدم امکان اعمال تدابیر اصلاحی در خصوص اطفال ۹ تا ۱۵ سال تمام را مورد نقد قرار داده و معتقدند تدابیر نظارتی تنها باید برای جرائم سبک اعمال شود

۸. المادة (۱۰): «لا تسجل الأحكام الصادرة ضد الأحداث الجانحين في صحيفة السوابق، ولا تسري عليهم أحكام التكرار المنصوص عليها في قانون الجزاء العماني.»
 ۹. المادة (۲۸): «إذا ارتكب الحدث الذي بلغ السادسة عشرة جريمة عقوبتها الإعدام أو السجن المطلق حكم عليه بالسجن مدة لا تقل عن ثلاث سنوات ولا تزيد على عشر سنوات، وإذا ارتكب جريمة عقوبتها السجن المؤقت أو السجن حكم عليه بالسجن مدة لا تتجاوز نصف الحد الأقصى المقرر قانوناً للجريمة المرتكبة وبما لا يقل عن ثلاث سنوات في الجنایات، وللمحكمة كذلك توقيع أحد التدابير المنصوص عليها في المادة (۲۰)، وذلك دون إخلال بالعقوبات الفرعية المقررة في قانون الجزاء العماني. وتنفذ عقوبة السجن المحكوم بها على الحدث الجانح في دار إصلاح الأحداث.»

و در جرائم سنگین باید امکان اعمال تدابیر اصلاحی از جمله کانون تربیت وجود داشته باشد (الیزیدی، ۲۰۱۸: ۱۵۴).

۱-۶. از حیث «تجدیدنظر»

از حیث تجدیدنظر در احکام نیز بین احکام بزرگسالان با احکام اطفال و نوجوانان تفاوت است. اولاً، در خصوص تجدیدنظر از حکم صادره از دادگاه در مرجع عالی، برابر ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظر است؛ در حالی که برابر ماده ۴۲۷ همین قانون در خصوص بزرگسالان جرائم تعزیری درجه هشت یا جرائم مستلزم پرداخت دیه و آرش کمتر از یک‌دهم دیه کامل قطعی است (خالقی، ۱۴۰۱: ۳۶). از این جهت در قانون مسائل جوانان عمان هم هرچند اصل بر لازم‌الاجرا بودن آراء دادگاه اطفال است، لکن اولیاء و سرپرستان طفل حق اعتراض بر حکم را دارند لکن تجدیدنظر موجب توقف اجرای حکم نمی‌شود.^{۱۰}

ثانیاً، در خصوص تجدیدنظر از حکم صادره توسط خود دادگاه صادرکننده حکم، در مورد بزرگسالان بعد از قطعیت حکم علی‌القاعده دادرسی از رسیدگی فارغ شده و حق تجدیدنظر در حکم صادره را ندارد، در حالی که در مورد اطفال برابر تبصره ۳ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی: «در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید»، بلکه در مورد نوجوانان نیز، استثنائاً در حین اجرای مجازات، حکم نگهداری در کانون یک بار قابل تجدیدنظر است. محتوای تجدیدنظر، تخفیف و تبدیل مجازات است و به موجب ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی قاضی دادگاه اطفال می‌تواند مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد^{۱۱} یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید.^{۱۲} در حقوق عمان برابر ماده ۴۳ قانون مسائل جوانان، دادگاه می‌تواند در حکم یا تصمیم خود تجدیدنظر کرده و به درخواست دادستان یا طفل یا والدین و سرپرستان وی حکم صادره را خاتمه داده یا تعدیل کند.^{۱۳}

۲. چالش‌های سیاست کیفری ارفاقی

باوجود رویکرد ارفاقی - ارفاقی در نظام واکنش علیه جرائم اطفال و نوجوانان در ابعاد تقنینی و قضایی، به جهت نبود یک سیاست

۱۰. المادة (۴۲): «يكون الحكم الصادر على الحدث بتدابير الرعاية والإصلاح واجب التنفيذ. ولكل من والدي الحدث أو الولي أو الوصي أو المؤمن عليه أن يطعن في الحكم الصادر ضده، ولا يترتب على الطعن وقف تنفيذ الحكم».

۱۱. گفتنی است بین ماده ۹۰ و ۹۳ (ق.م.ا) تعارضی نیست و امکان اعمال هر دو تخفیف در مورد یک متهم وجود دارد چرا که تخفیف ماده ۹۳ ناظر به مرحله صدور حکم و مبتنی بر جهات مخففه ماده ۳۸ (ق.م.ا) است و در مورد همه مجازات‌های اطفال و نوجوانان قاضی می‌تواند میزان مجازات را تا نصف حداقل تخفیف دهد، ولی تخفیف ماده ۹۳ پس از صدور حکم و اعزام متهم به کانون اصلاح و تربیت است که قاضی با توجه به گزارش‌های رسیده در مورد وضعیت و رفتار متهم در کانون، می‌تواند نگهداری در کانون را تا یک‌سوم مدت تعیین شده در حکم تقلیل دهد.

۱۲. در مورد امکان تعیین «مجازات‌های جایگزین» به جای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، در قانون حکم روشنی وجود ندارد، لکن همان‌گونه که آزادی مشروط مختص حبس است ولی محکومیت به نگهداری در کانون هم مشمول آزادی مشروط قرار می‌گیرد، مجازات‌های جایگزین هم با اینکه مختص حبس‌اند لکن چون نوعاً خفیف‌تر از کانون هستند، به طریق اولی در مورد کانون اصلاح و تربیت هم قابل اعمال هستند. افزون بر این در ادبیات تقنینی ما کانون اصلاح و تربیت هم قسمی از زندان دانسته شده است کما اینکه در تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «زندان‌ها به زندان بسته، نیمه باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تامینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود.»

۱۳. المادة (۴۳): «للمحكمة أن تعيد النظر في الحكم أو الأمر الصادر بأحد التدابير المنصوص عليها في هذا القانون وذلك بإنهائه أو تعديله بناء على طلب الادعاء العام أو الحدث أو والديه أو وليه أو وصيه أو المؤمن عليه، على أن يرفق بهذا الطلب تقارير الملاحظة الصادرة عن الجهات المختصة برعاية الأحداث. ولا يجوز عند إعادة النظر الحكم بغير التدابير الواردة في هذا القانون.»

کیفری فراگیر، اندیشمندانه و هدفمند، روند ارفاقی شدن حقوق کیفری اطفال و نوجوانان با چالش‌ها و پرسش‌های زیادی روبه‌رو است.

۱-۲. ابهام در مقررات تعدد جرم

در قانون ایران، با وجود صراحت در خصوص عدم اعمال مقررات تکرار جرم، در خصوص اعمال یا عدم اعمال مقررات تعدد جرم تصریح قانونی وجود ندارد و همچنان محل اختلاف نظر است. برخی معتقدند با توجه به دلالت مفهوم مخالف ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اعمال مجازات درباره افراد بالغ، اشاره صریح قسمت اخیر ماده ۹۱ قانون مزبور به واژه «مجازات» درباره افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی و نیز اطلاق عبارت «یکی از تصمیمات ذیل...» در قسمت صدر ماده ۸۸، مقررات تعدد جرم درباره کلیه افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی که واکنش اجتماعی علیه آنان از نوع مجازات محسوب می‌شود، قابل اجراست (فلاح خاریکی؛ حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۹: ۲۵۵) و برخی دیگر عدم خروج اطفال و نوجوانان از شمول مقررات تعدد جرم را یک اقدام تقنینی، مبتنی بر حکمت دانسته و معتقدند اگر قرار بود اطفال و نوجوانان از قواعد تعدد جرم نیز مستثنا شوند، عملاً به نادیده گرفتن سیاست ارفاقی قانون‌گذار و اعمال چند مجازات به جای یک مجازات منجر می‌گردید (مصطفی پور، ۱۴۰۳: ۲۱۰). از دید نگارنده با اینکه در مورد شمول یا عدم شمول مقررات مربوط به تعدد جرم در مورد جرائم اطفال، قانون مجازات اسلامی حکم روشنی ندارد، لکن در راستای «تفسیر کودک مدارانه» قوانین کیفری، به نظر می‌رسد با توجه به فلسفه عدم اجرای مقررات تکرار جرم در مورد اطفال و با در نظر گرفتن سیاست کیفری ارفاقی قانون‌گذار در مورد جرائم اطفال، باید بر آن بود که آن دسته از مقررات تعدد جرم که موجب افزایش مجازات است، در مورد جرائم اطفال قابل اعمال نیست.

در حقوق عمان در خصوص اعمال مقررات تعدد جرم بین زیر ۱۶ سال و بالای ۱۶ سال تفاوت است، برای اطفال تا ۱۶ سال اگر چند جرم انجام دهند فقط یک یا چند مورد از اقدامات مواد ۱۵ و ۲۰ قابل اعمال است ولی برای بالای ۱۶ سال برابر مقررات تعدد جرم رفتار می‌شود.^{۱۴}

۲-۲. ابهام در شمول مقررات ارفاقی

در قانون ایران، دادگاه می‌تواند صرف نظر از محدودیت‌های تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات از حیث درجه جرم تعزیری، در مورد تمام جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند (ماده ۹۴ ق.م.ا). در مورد امکان تعلیق و تعویق مجازات‌های موضوع ماده ۴۷ (ق.م.ا) ارتكابی از سوی نوجوانان نوعی تعارض در مواد قانونی به چشم می‌خورد؛ از یک سو برابر ماده ۴۷ (ق.م.ا) صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم خاص موضوع این ماده و نیز شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست و از سوی دیگر برابر ماده ۹۴ این قانون دادگاه می‌تواند در مورد «تمام جرائم تعزیری» ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. پرسش این است که اگر نوجوان پانزده تا هجده‌ساله مرتکب یکی از جرائم تعزیری موضوع ماده ۴۷ (ق.م.ا) شود، آیا امکان تعویق صدور حکم یا تعلیق

۱۴. المادة (۲۷): «إذا ارتكب الحدث الجانح الذي لم يبلغ السادسة عشرة جريمة، أو جرائم متعددة، أو ارتكب أكثر من جريمة لغرض واحد وكانت مرتبطة ببعضها ارتباطاً لا يقبل التجزئة، فلا يحكم عليه إلا بتدبير أو أكثر من التدابير المنصوص عليها في المادتين (۱۵) و (۲۰)»

اجرای مجازات وجود دارد یا نه؟

به نظر نگارنده هرچند بر پایه اصول تفسیری، مقررات تعویق و تعلیق موضوع مواد ۴۰ و ۴۶ (ق.م.ا) عام و مفاد ماده ۴۷ در خصوص عدم امکان تعویق و تعلیق جرائم معین و همچنین مفاد ماده ۹۴ در خصوص استثناء کردن جرائم اطفال از محدودیت‌های ماده ۹۴ هر دو خاص هستند، ولیکن در مقام مقایسه ماده ۹۴ و ماده ۴۷، چون ماده ۹۴ ناظر به جرائم اطفال به‌طور کلی است. ولی ماده ۴۷ ناظر به عناوین خاص است، بنابراین ماده ۴۷ خاص‌الخاص است و درواقع همان‌گونه که ماده ۹۴ مخصوص مواد ۴۰ و ۴۶ (ق.م.ا) است، ماده ۴۷ نیز مخصوص ماده ۹۴ است بنابراین از حیث اصولی، جرائم موضوع ماده ۴۶ حتی اگر توسط اطفال و نوجوانان واقع شود قابل تعویق و تعلیق نیست.

باوجود این، از آنجا که رویکرد قانون‌گذار در قبال بزهکاری نوجوانان ارفاقی است و تفسیر تعارضات قانونی هم باید بر مبنای تفسیر «کودک مدارانه» قوانین جزایی باشد، ازاین‌روی، برخلاف اقتضانات اصول تفسیری، باید بر آن بود که حتی جرائم موضوع ماده ۴۷ نیز چنانچه توسط اطفال و نوجوانان واقع شود قابل تعویق و تعلیق است (حیدری، ۱۴۰۲: ۱۷۷). استثناء شدن تعزیرات منصوص شرعی از اطلاق ماده ۹۴ (ق.م.ا) توسط تبصره ۲ ماده ۱۱۵ (ق.م.ا) نیز قرینه بر این است که تنها استثنای ماده ۹۴ (ق.م.ا) تعزیرات منصوص شرعی است، پس نباید منعی جهت تعویق یا تعلیق مجازات جرائم تعزیری ماده ۴۷ در مورد نوجوانان وجود داشته باشد. افزون بر ابهام در شمول مقررات تعویق و تعلیق، ابهام در خصوص معافیت قضایی، ابهام در دامنه جرائم اطفال و نوجوانان مشمول خودداری از تعقیب و قرار بایگانی کردن پرونده، ابهام در دامنه جرائم اطفال و نوجوانان مشمول تعلیق تعقیب و میانجیگری و... همگی نشان دهنده نبود یک سیاست کیفری مشخص در خصوص حقوق کیفری اطفال و نوجوانان است.

در حقوق عمان بدون اینکه از جزئیات مسائل سخن به میان آمده باشد، در ماده اول مرسوم (توشیح) سلطانی شماره ۲۰۰۸/۳۰ در خصوص قانون مسائل نوجوانان^{۱۵} تصریح شده که دادگاه‌ها در برخورد با مسائل نوجوانان رویکرد ارفاقی را در پیش خواهند گرفت. این دستور کلی و مبهم است و نمی‌تواند راهگشای ابهامات قضات در کاربری نهادهای ارفاقی موجود در «قانون الجزاء العمانی» در خصوص اطفال و نوجوانان باشد، باوجود این، محاکم عمان سعی دارند تا در موارد ابهام یا سکوت قانونی تفسیری را که به نفع کودک و نوجوان است را معیار کاربری نهادهای ارفاقی قرار دهند.

۲-۳. ابهام در رابطه قوانین هم‌زمان

ازجمله بسترهای چالش در سیاست کیفری اطفال و نوجوانان، ابهام در رابطه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری است. مبنای این ابهام، تصویب هر دو قانون در یک روز (۱۳۹۹/۰۲/۲۳) و از سوی یک مرجع تقنینی (مجلس شورای اسلامی) است. هم‌زمانی تصویب هر دو قانون این پرسش را مطرح کرده است که به‌عنوان نمونه آیا قانون‌گذار در تعیین مجازات‌های جرائم علیه اطفال و نوجوانان، به مفاد تبصره ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که روح آن تعیین حداقل حبس مقرر در قانون است، توجه داشته یا نه؟ در صورت نخست تکلیف میزان تخفیف در موارد متعددی مانند بندهای (ت و ث)

ماده ۹، بندهای ۴ و ۶ ماده ۱۰، ماده ۱۶ و ... قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که برای آن مجازات درجه هشت تعیین شده به چه صورتی خواهد بود؟ آیا مجازات درجه ۹ در قانون ما وجود دارد که حبس درجه هشت بتواند یک درجه تخفیف یابد؟ یا با توجه به واژه «تا» در حبس درجه هشت که شامل کمترین واحد یعنی یک روز هم می‌شود، تخفیف یک روز حبس به چه صورتی خواهد بود؟ آیا اینکه باید بگوییم کیفر درجه هشت اصلاً قابل تخفیف نیست؟!

۳. یافته‌های پژوهش

در نظام حقوقی ایران بررسی سیاست کیفری ارفاقی در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان و مقایسه آن با مجازات‌های تعیین شده برای مرتکبین جرائم علیه اطفال و نوجوانان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ نشان می‌دهد که قانون‌گذار در ایجاد تعادل بین سیاست کیفری «بزهکار محوری» و سیاست کیفری «بزه دیده محوری» موفق نبوده است^{۱۶} بدین معنا که هرگاه موضع مقنن مقررات گذاری برای جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بوده (بزهکار محوری)، با همه ابهامات و پرسش‌هایی که وجود دارد، رویکرد کلی در راستای سیاست کیفری ارفاقی بوده لکن هرگاه موضع مقنن مقررات گذاری برای جرائم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان بوده (بزه دیده محوری)، سیاست مشخصی اعم از ارفاقی یا تشدیدي قابل احراز نیست.

از دید نگارنده در خصوص فرض کودک بزهکار، رویکرد ارفاقی افراطی، چنانچه در پرتو یک گفتمان و الگوی علمی روشن نباشد؛ حتی اگر در کوتاه‌مدت گره‌گشای برخی معضلات این قلمرو باشد، در درازمدت نتیجه‌ای جز آزمون و خطا و چه بسا بازگشت پر قدرت‌تر به سیاست‌های کیفری پیشین نخواهد داشت. اما در فرض کودک بزه دیده، نگارنده بر این باور است که تفاوت فاحش در میزان مجازات بزهکار، نه تنها تضمینی بر حمایت از اطفال و نوجوانان نیست، بلکه گاه موجب عدم همراهی قضایی و چه بسا انتقام از کودک و نوجوان در بزرگسالی خواهد شد.

اما در خصوص فرض ارتكاب جرم علیه اطفال و نوجوانان (بزه دیده محوری)، سیاست معین و مشخصی وجود ندارد؛ از یک سو ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تمام جرائم موضوع این قانون را واجد جنبه عمومی دانسته که بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد و از سوی دیگر برابر ماده ۴۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مرجع قضائی می‌تواند در جرائم موضوع مواد (۷)، (۸) و (۹) این قانون چنانچه مرتکب از والدین یا اولیای طفل یا نوجوان باشد، پس از اخذ نظر تخصصی مددکار اجتماعی نسبت به صدور قرار تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات اقدام کند. برداشت بسیاری از قضات از مواد گفته شده، برخورد سخت و تشدیدي با مرتکبین جرائم علیه اطفال و نوجوانان و محروم‌سازی آنان از نهادها و سازوکارهای ارفاقی است و عملاً این‌گونه بزهکاران از ارفاقات قانونی محروم هستند. از جنبه نظری، سیاست کیفری حمایتی از اطفال و نوجوانان ملازمه‌ای با سیاست تشدیدي علیه بزهکار ندارد. به بیان دیگر حمایت ویژه از اطفال و نوجوانان، باید در مرحله تقنین (جرم‌انگاری وضع مجازات برای جرائم آنان) لحاظ شود و نه در مرحله قضا و اجرا که اصل فردی سازی کیفر بر آن حاکم است؛ بنابراین اگر جرم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان از حیث ماهیت و درجه مشمول

۱۶. گفتنی است کنوانسیون حقوق کودک در قلمرو کیفری دو گونه مقررات گذاری کرده است: از یک سو، موضوع مواد ۳۷ و ۴۰ این کنوانسیون ناظر بر «بزه‌کاری اطفال» است که به دولت‌ها توصیه می‌کند دادگاه‌های ویژه اطفال تأسیس کنند. حقوق طفل متهم را به‌طور خاص و افتراقی نسبت به حقوق متهمین بزرگسال تعیین و رعایت کنند؛ از سوی دیگر، مفاد چندین ماده از کنوانسیون حقوق کودک ناظر بر «بزه‌دیدگی اطفال» است.

نهادهای ارفاقی باشد، در مرحله تعیین یا اجرای مجازات مانعی از اعمال این نهادها وجود ندارد.

در خصوص مواد ۳۱ و ۴۱ نیز باید گفت که از یک سو غیرقابل گذشت بودن جرائم علیه اطفال، تنها بر ضرورت به جریان افتادن تعقیب کیفری و رسیدگی دقیق و کامل به این جرائم دلالت دارد و نه بر سیاست تشدید در تعیین و اجرای مجازات‌ها بر متهم و از سوی دیگر، امکان بهره‌مندی والدین از نهادهای تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات در جرائم موضوع مواد (۷)، (۸) و (۹) نیز، دلالتی بر محرومیت دیگران از نهادهای ارفاقی ندارد، چراکه قانون‌گذار در خصوص جرائم ارتكابی والدین و اولیاء قانونی علیه اطفال و نوجوانان، سیاستی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به بیگانگان است. بنابراین، مفهوم مخالف ماده ۴۱، مستثنا کردن جرائم سه‌گانه از این سیاست سخت‌گیرانه و در نتیجه عدم امکان بهره‌مندی والدین و سرپرستان قانونی از نهادهای تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات در غیر جرائم موضوع مواد (۷)، (۸) و (۹) است، و لیکن در خصوص بیگانگان هیچ نص صریح یا ضمنی بر منع اعمال نهادهای ارفاقی وجود ندارد و اگر قانون‌گذار چنین نظری داشت می‌بایست در مواد پایانی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با وضع یک ماده، جرائم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان را صریحاً از شمول مقررات ارفاقی قوانین دوگانه آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی مستثنا می‌کرد.

با وجود این، سیاست حمایتی از اطفال باید در مرحله جرم‌انگاری وضع کیفر لحاظ شده و مجازات‌هایی متناسب با میزان خطر علیه اطفال و نوجوانان لحاظ شود تا به سادگی امکان نادیده گرفتن آن وجود نداشته باشد، در حالی که نگاهی به مقررات قانون حمایت از اطفال و نوجوانان چنین چیزی را نشان نمی‌دهد، به گونه‌ای که از حدود ۳۰ جرم پیش‌بینی شده در این قانون، تنها دو مورد مجازات درجه ۳ و یک مورد درجه ۴ است و سایر ضمانت اجراها شامل درجات پایین‌تر (پنج مورد درجه ۵، ده مورد درجه ۶، چهار مورد درجه ۷ و هفت مورد درجه ۸) است که شمول سازوکارهای ارفاقی قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مانند خودداری از تعقیب و بایگانی کردن پرونده، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و معافیت قضایی و به‌ویژه مجازات‌های جایگزین حبس عملاً سیاست کیفری بزهکار محور را هم به سیاست ارفاقی - اغماضی تبدیل کرده است.

از سوی دیگر ارتكاب جرم علیه طفل و نوجوان توسط طفل و نوجوان، بزنگاه حقوق کیفری خردسالان و بستر تعارض حمایت از بزه دیده یا بزهکار است و رویکرد قانون‌گذار در این موضوع دارای اهمیت بسیار است، لکن سیاست کیفری تقنینی در حمایت از اطفال و نوجوانان در دوگانه بزهکار - بزه دیده مبهم و سردرگم است به گونه‌ای که در ماده ۲۲ قانون حمایت اطفال و نوجوانان چند جهت تشدید مجازات آمده است که در آن مجازات مرتکب به بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات قانونی محکوم می‌شود.^{۱۷} ولی در ماده ۲۳ این قانون آمده که اگر مرتکب جرم علیه اطفال و نوجوانان فرد زیر هجده سال تمام باشد، مشمول تشدید مجازات نخواهد شد.

شوربختانه ماده ۲۳ قانون حمایت اطفال و نوجوانان نشان دهنده انفعال و سردرگمی یا دست‌کم بی‌موضوعی قانون‌گذار در این موضوع است چه اینکه با این مقرر، عملاً قانون‌گذار حمایت از بزه دیده را کنار گذاشته و سیاست ارفاقی جرائم اطفال را - بدون

۱۷. با اینکه بسیاری از موارد جرائم علیه اطفال توسط اطفال همسال یا با اندک تفاوت سنی واقع می‌شود، لکن بندهای الف و پ ماده ۲۲ قانون حمایت اطفال و نوجوانان عملاً در خصوص نوجوانان مصداق پیدا نمی‌کند.

هیچ‌گونه تفاوتی - به فرض ارتکاب جرم علیه طفل هم گسترش داده است، در حالی که اساساً واکنش ملایم علیه اطفال و نوجوانان ناظر به فرض جرائم همانند بزرگسالان و در سنجش با بزرگسالان است. ولی در فرض مورد بحث، علاوه بر جهات ماده ۲۲ قانون حمایت اطفال و نوجوانان، باید بر پایه تفاوت سنی بزه دیده و بزه‌کار نیز جهات تشدید واکنش - دست‌کم در همان چارچوب واکنش‌های ویژه اطفال و نوجوانان - وجود داشته باشد یا اینکه از برخی ارفاقات ویژه محروم باشد.

به‌عنوان نمونه اگر یک نوجوان ۱۷ ساله مرتکب تجاوز یا ضرب و جرح یک طفل ۱۱ ساله شد، مدت زمان کانون اصلاح و تربیت یا خدمات عمومی رایگان او بیشتر از میزان کنونی بندهای ماده ۸۹ بوده یا دست‌کم از مزیت ماده ۹۰ یا ارفاق تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی محروم شود. باوجود این، قانون حمایت اطفال نه‌تنها چنین جهت تشدیدی در نظر نگرفته بلکه در ماده ۲۳ این قانون، حتی در فرضی که نوجوان ۱۷ ساله مورد مثال ما به‌طور مکرر مرتکب ضرب و جرح طفل ۱۱ ساله شود و طفل مورد مثال هم معلول باشد، باز هم نوع واکنش علیه متهم هیچ تفاوتی با ضرب و جرح یک فرد ۲۰ ساله سالم ندارد.

آنچه گفته شد در خصوص نظام حقوقی ایران در مقوله جرائم اطفال و نوجوانان بود، ولی در نظام حقوقی عمان، هرچند سیاست کیفری ارفاقی در فرض کودک - بزه دیده، ملازمه‌ای با تشدید مجازات قانونی متهم ندارد، لکن در فرض ارتکاب جرم توسط کودک و نوجوان، واکنش اصلی و رایج، تسلیم طفل و نوجوان به والدین و سرپرستان قانونی است. اما از حیث اجرایی، اقدام برای تحویل نوجوانی که در معرض خطر بزه‌کاری قرار دارد، در صورتی که یکی از والدین او یا فردی که حق قیمومیت یا سرپرستی دارد او را بپذیرد، تسلیم توسط پلیس اطفال و نوجوانان انجام می‌شود (ماده ۱۷ قانون مساءلة الأحداث) که با توجه به ناآشنایی پلیس با موازین حقوقی، این رویه قابل دفاع نیست. البته در صورت عدم پذیرش طفل از سوی والدین و اولیاء، دستور تسلیم باید از سوی دادگاه اطفال و نوجوانان دستور صادر شود.

ایراد دیگر اینکه قانون‌گذار عمانی هیچ تعهد یا التزامی را بر عهده‌گیرنده نوجوان اعم از اینکه از قیم، قیم، خانواده، بستگان یا نهاد اجتماعی باشد، به‌استثنای خانواده جایگزین، شرط نکرده است و این امر گاه موجب بی‌تفاوتی پذیرنده طفل و نوجوان و عدم تغییر در وضعیت شخصیتی وی می‌شود. به همین جهت مقنن ایران در تبصره ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی به دادگاه اختیار داده که حسب اقتضاء تعهد انجام اموری را اخذ کند.

نکته دیگر اینکه در نظام حقوقی عمان، اقدام تسلیمی زمانی خاتمه می‌یابد که نوجوان به سن هجده‌سالگی برسد یا از سوی قاضی اطفال تصمیمی مبنی بر فسخ اقدام، اصلاح آن یا جایگزینی آن با اقدام دیگری صادر شود (ماده ۱۸ قانون مساءلة الأحداث).^{۱۸} به بیان دیگر اقدامات تسلیمی مدت معینی ندارد و تعیین مدت آن به صلاح‌دید قاضی است. این رویکرد هرچند ممکن است ناشی از ویژگی درمانی و اطباقی اقدامات نظارتی باشد (حق پناهان، ۱۳۹۳: ۸۷)، لکن معلوم نبودن مدت آن و تداوم تا رسیدن به سن ۱۸ سال تمام - به‌ویژه در خصوص اطفال در معرض خطر که جرمی مرتکب نشده‌اند و در سنین پایین هم هستند - اقدامی ناعادلانه و در تضاد با اصل قانونی بودن اقدامات تأمینی و تربیتی است.

۱۸. المادة (۱۸): «یحکم بتدبیر أو أكثر من تدابیر الرعاية علی أن لا تجاوز مدة التدبیر بلوغ الحدث المعرض للجنوح الثامنة عشرة.»

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی (جلد سوم)، چاپ بیست و هشتم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- حق پناهان، عباس (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات مجد.
- حیدری، علی مراد (۱۴۰۲)، حقوق جزای عمومی؛ بررسی فقهی - حقوقی واکنش علیه جرم، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- خالقی، علی (۱۴۰۱)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ ۴۶، تهران: شهر دانش.
- رستمی، هادی؛ موسوی، سید پوریا (۱۳۹۹)، «مصالح عالیة کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ‌های تعزیرمدار»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۱۲، زمستان ۱۳۹۹.
- شیری، عباس (۱۴۰۱)، «سیاست‌گذاری جنایی افتراقی درباره اطفال و نوجوانان»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۳، ۱۴۰۱.
- صبوری پور، مهدی؛ موسوی، سید پوریا (۱۴۰۲). حقوق کیفری عمومی اطفال و نوجوانان، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- فلاح خاریکی، امین؛ حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۹۹)، «واکاوی حکم تعدد جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۷، شماره ۲۰.
- مصطفی پور، مسعود (۱۴۰۳). جرم‌شناسی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۴۰۲)، حقوق جزای عمومی ۳ (واکنش اجتماعی در برابر جرم، مجازات و اقدام تأمینی تربیتی)، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- نادری، سعید (۱۴۰۰)، «دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان؛ با نگاهی به اسناد بین‌المللی حقوق کودک»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۰.
- الیزیدی، بدر خمیس سعید (۲۰۱۸)، «تدبیر تسلیم الحدث فی القانون العماني: واقعاً و مأمولاً»، مجله الشریعه و القانون بمالیزیا، المجلد ۸، رقم ۲.

Reference

- Abdulsatar, Fawziah (1999). Al-Mua'amalh Al-Jinaeeah Li Al-Tifal. Cairo: Dar Al-Nahdah Al Arabiah.
- Ateeah, Hamdi Rajab (2010). Al-Masulia'h Al-Jinaeeah Li Al-Tifal fi Tashria't Al-Dual Al-Arabiah. Cairo: University of Munufiah Press.
- Al-Awji, Moustafa (2015). Al-hadath Al-Munharif Au Al-Mua'rad Bikhater Al-Enhira'f fi Al-Tashria't Al-Arabiah. Beirut: Manshorat Al-Halabi Al-hukukiah.
- Ilias, Yousif (2014). Kawaneen Al-Ahdath fi Dual Majlis Al-Ta'win. Al-Manamah: Al-Majlis AlTanfithi Limajlis Wzara' Al-A'amal.